یادداشت روز

آمریکا در پارادوکس جنگ و مذاکره

در دنیای پرهیاهوی سیاسی، جایی که قواعد بازی نه بر مدار «عدالت»، بلکه بر مدار «قدرت» تعریف می‌شود، دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی بار دیگر به راهبردی کهنه اما بازطراحی شده روی آورده‌اند. راهبردی که در ادبیات سیاسی به «جنگ همراه با مذاکره» معروف است. این روزها، در حالی که واشنگتن از یک‌سو با استفاده از خاک و امکانات نیابتی‌های خود در کشورهای حوزه خلیج‌فارس با هدف تخریب زیرساخت‌های استراتژیک ایران، طبل جنگ را به صدا درآورده و از سوی دیگر، پیک‌های دیپلماتیک و میانجی‌های منطقه‌ای را با پیام‌های «دعوت به گفت‌وگو» به تهران گسیل می‌دارد، بار دیگر این هشدار جدی را متوجه مسئولان جمهوری اسلامی در مواجهه با دولت دروغگوی آمریکا گوشزد می‌کند که نباید به این دشمن عهدشکن اعتماد کرد. هرچند مواضع اخذ شده مسئولان ایرانی در دستگاه دیپلماسی کشور و دبیر شورای عالی امنیت ملی نشان می‌دهد که با چند بار تجربه رفت و برگشت آمریکایی‌ها به میز مذاکره و جنگ، این راهبرد مقامات آمریکایی آن‌قدر نخ نما شده که دیگر هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند به صداقت آنها شک نداشته باشد. اما حقیقت نهفته در پس این پرده چیست؟ آیا این یک «چرخش دیپلماتیک» است یا یک تله‌گذاری برای تکرار سناریوی «نفوذ و ضربه مجدد» به ایران است؟

۱- نخست‌وزیر عراق بلافاصله پس از بازگشت از سفر نیویورک و دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا راهی تهران شد و با مقامات کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. پیش از عزیمت او به تهران برخی گفتند که او حامل پیامی از سوی آمریکا به ایران برای مذاکره مجدد است که پس از این دیدارها و انعقاد چند قرارداد و همکاری تجاری و... موضوع ارسال پیام از سوی آمریکایی‌ها رد شد اما دو اتفاق پس از بازگشت «الزیدی» به عراق افتاد که ذهنیت‌ها را به سمت مذاکره‌ای دیگر از جنس آن چیزی که تاکنون اتفاق افتاده است، سوق داد. اولا؛ درحالی که پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای منطقه به شدت زیر ضربات شدید موشکی و پهپادی ایران بود و صدای ناله و عجز مقامات آمریکایی به گوش می‌رسید در کمتر از ۲۴ ساعت پس از بازگشت الزیدی به کشورش، متوقف شد و ثانیا؛ بعد از ظهر شنبه بود که تیم مذاکره‌کننده اول ایران با آمریکا قبل از جنگ رمضان یعنی عمان بار دیگر رهسپار تهران شده. این یعنی نمی‌تواند سفر الزیدی و تیم عمانی به تهران بی‌ارتباط به متوقف شدن جنگ در خلیج‌فارس باشد. در این سوی میدان آنچه رسانه‌ها و مردم دریافت می‌کنند صرفا سکوت مسئولان از روندی است که در حال رخ دادن است و اخبار درست یا غلط پشت پرده را از روایت رسانه‌های دشمن از این رفت و آمدهای دیپلماتیک دریافت می‌کنند. بپذیریم که راهبرد فعلی آمریکایی‌ها، تکرار همان استراتژی کلاسیک «فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا» است. آمریکایی‌ها به خوبی دریافته‌اند که «گزینه نظامی» در مقابل جمهوری اسلامی، به دلیل قدرت بازدارندگی خیره‌کننده نیروهای مسلح و اقتدار ناشی از پیوند مردم با نظام، دیگر یک گزینه «روی میز» نیست، بلکه به یک «بحران روی میز» برای فرار آنها تبدیل شده است. از این رو، این دشمن خبیث در مراحل مختلف پس از شروع جنگ رمضان و بلکه پیشتر از آن در جنگ ۱۲روزه، تلاش کرد با حمله به زیرساخت‌ها، چه در حوزه نظامی و چه در حوزه کشوری اعم از زدن راه‌های مواصلاتی به‌دنبال آن است که «هزینه ایستادگی» را برای نظام بالا ببرد تا در میز مذاکره خیالی خود، به امتیازاتی دست یابند که در جنگ۱۲ روزه و جنگ رمضان در میدان نبرد هیچ‌گاه به آن نرسیده‌اند. دشمن آمریکایی می‌خواهد با ایجاد یک فضای «بیم و امید»، تصمیم‌گیران کشور را به این نتیجه برساند که «هزینه مقاومت، بیشتر از هزینه سازش است».

۲- تجربه تاریخی نزدیک به پنج دهه اخیر، به‌ویژه در پرونده‌هایی نظیر برجام، مذاکرات قبل و بعد از جنگ ۱۲ روزه و جنگ سوم (رمضان) به ما آموخته است که برای دشمن، «مذاکره» نه یک ابزار برای حل اختلاف، بلکه «ابزاری برای مهار» است. وقتی طرف متخاصم همزمان با حمله به زیرساخت‌های یک کشور در جنگ است، دعوت به مذاکره معنایی جز «توقف پیشرفت» و «عقیم‌سازی قدرت دفاعی» آن کشور ندارد. واقعیت آن است که دشمن می‌خواهد همزمان دو هدف اساسی خود را با راهبرد «جنگ و مذاکره» به نتیجه برساند. از یکسو با تغییر محاسبات ذهنی نخبگان و مسئولان کشور می‌خواهد «عزت» و «اقتدار» را با «امنیت کاذب حاصل از کوتاه آمدن در مقابل خود» معامله کند و از سوی دیگر، با خرید زمان برای تخریب بیشتر سرمایه‌های مادی و معنوی ایران، برنامه‌هایی که تاکنون به آنها نرسیده است را دست یافتنی کند. این واقعیت را که بارها تجربه شده نباید فراموش کرد در حالی که هیئت‌های مذاکره‌کننده پشت میزهای مذاکره به کلمات «تنش‌زدایی» و «کاهش بحران» می‌پردازند، اتاق‌های جنگ در واشنگتن و تل‌آویو مشغول طراحی فاز بعدی ضربه به زیرساخت‌ها هستند. این یک «مذاکره در خلأ» نیست، بلکه «مذاکره در سایه جنگ» است.

۳- جمهوری اسلامی ایران امروز به برکت برخورداری از رهبری حکیم و خلف شایسته امام شهیدمان، امام سید مجتبی خامنه‌ای (مدّظله‌العالی) و مجاهدت نیروهای مسلح، به سطحی از «بازدارندگی فعال» رسیده است که دیگر دشمن نمی‌تواند بدون دریافت پاسخ متناسب، اقدام به ماجراجویی کند. بنا به اعلام سخنگوی سپاه از رصد حملات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه طی ۱۵ روز نبرد از ۱۷ تا ۳۱ تیر ماه، ۱۱ هواپیمای جنگنده و بالگرد آمریکایی روی زمین و در حالی که در پایگاه‌های آمریکایی در منطقه مستقر بودند، منهدم شده‌اند. در حملات برق‌آسای سپاه در عملیات نصر۲ دیدیم که در این مدت، چندین سامانه پدافندی پاتریوت و راداری آمریکایی در منطقه در کشورهای بحرین، کویت، قطر و اردن به‌طور کامل منهدم و علی‌رغم کتمان و پنهان‌کاری آمریکایی‌ها، برآوردهای اولیه نشان می‌دهد که بیش از ۲۰۰ نظامی آمریکایی کشته و تعداد زیادی از آنها زخمی شده‌اند. از بین رفتن زیرساخت‌های داده‌های آمازون در بحرین با حملات کوبنده موشک‌های دقیق، از شاهکارهای سبزپوشان سپاه بود که در این روزها نیروهای مسلح بی‌وقفه آتش خشم انقلابی خود را بر سر نیروهای دشمن و پناه دهندگان به آنها گسیل داشتند. همزمان با انهدام مراکز راداری و تجهیزات آمریکایی‌ها در منطقه، سپاه و ارتش نگاه تیزبین خود را بر تنگه استراتژیک هرمز حفظ کرده و اجازه عبور هیچ کشتی و نفتکشی را از این تنگه ندادند تا آنجا که با تخطی دو نفتکش که قصد عبور از مسیر جنوب تنگه هرمز را داشتند، بر اثر اصابت پرتابه به آنها دچار آتش‌سوزی شده و متوقف شدند. با این حملات برق‌آسا نیروهای مسلح ما، دشمن متجاوز آمریکایی باید مفهوم «بازدارندگی فعال» ایران را بهتر فهمیده باشد که دستپاچه و از روی استیصال بار دیگر دست به دامان میانجی‌ها برای کاهش نواخت موشکی ایران یا توقف آن شده است.

بنابراین، راهبرد «مقاومت فعال»، پاسخی دندان‌شکن به توطئه‌های آشکار و پنهان دشمن است. وقتی دشمن زیرساخت شما را هدف می‌گیرد، مذاکره با او در همان مقطع زمانی، به معنای «پذیرش حق دشمن برای شلیک» است. با هر توجیهی «مذاکره تاکتیکی» یا «جنگ و عقب‌نشینی تاکتیکی»، منطق انقلابی حکم می‌کند که در میدان مبارزه، باید «قدرت» حرف اول را بزند تا در میز مذاکره، «حقانیت» بر کرسی بنشیند. اگر دشمن از منطق مذاکره تاکتیکی شما، برداشت عقب‌نشینی و ضعف کرد حتما در اتخاذ تاکتیک خطایی صورت گرفته و باید برداشت و محاسبه دشمن از شما اصلاح شود که در غیر این‌صورت، دشمن به تنظیمات کارخانه‌ای خود که حمله برای گرفتن امتیاز بیشتر در میز مذاکره است، باز خواهد گشت. یعنی همان چیزی که از جنگ ۱۲روزه تاکنون حداقل چهار بار آن را تجربه کرده‌ایم.

۴- تاریخ، عبرت‌گاه کسانی است که به «لبخند دشمن» اعتماد کردند. راهبرد «جنگ همراه با مذاکره» آمریکا، ناشی از یک کینه عمیق نسبت به استقلال و پیشرفت ایران است. آن‌ها نه به دنبال صلح، بلکه به دنبال «تسلیم تدریجی» ایران اسلامی که اکنون دنیایی را بیدار کرده است، هستند. باید این واقعیت را در نظر داشت که مذاکره، وقتی طرف مقابل پنجه‌هایش را به سمت گلوی ملتی گرفته، «خویشتنداری» نیست، بلکه «خودکشی استراتژیک» است. ما در مکتب امام شهیدمان آموخته‌ایم که در این مسیر، نه از «چنگ و دندان‌های» دشمن باید هراس به دل راه دهیم و نه با «فریب چندباره مذاکره» قدمی به عقب برداریم و اگر قرار است بار دیگر با چنین دشمن عنودی پای میز مذاکره بنشینیم حتما باید با راهبرد مشخص «دست پر در میدان»- همان‌گونه که شاهد آن توسط نیروهای مسلح کشورمان هستیم- و «صلابت انقلابی در عرصه دیپلماسی» باشیم و از حمایت مردم در خیابان هم به عنوان «پشتوانه میدان و دیپلماسی» غفلت نکنیم.

حسن رشوند

گزارش خبری تحلیلی کیهان

راه تنفس دشمن را با مذاکره درباره تنگه هرمز باز نکنید

سرویس سیاسی- **بازگشت به میز دیپلماسی در شرایطی که دشمن در موضع ضعف، فرسایش نظامی و بحران داخلی قرار دارد، باز کردن «راه نفس دشمن از نفس افتاده» است. مذاکره درباره تنگه هرمز یا پذیرش سازوکارهای مبهم منطقه‌ای، دقیقاً همان «نقطه سر خطی» است که واشنگتن برای بازسازی زرادخانه‌های تهی‌شده‌اش به آن نیاز دارد.**

در معرکه تقابل‌های راهبردی، آن‌کس که حواسش به «تیک‌تاک ساعت اقتدار» نباشد، قافیه را نه در میدان جنگ، بلکه روی میز دیپلماسی خواهد باخت. اکنون که ماهیت درگیری‌های نظامی میان ایران و آمریکا وارد حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مرحله خود شده است، باز هم صداهایی سازشکارانه و مغالطه‌آمیز از سوی طیف حامی مذاکره به گوش می‌رسد؛ گروه‌هایی که با تقدیس ناآگاهانه یا مغرضانه «تفاهم‌نامه» و نمایش ساده‌لوحانه‌ای از دیپلماسی یک‌طرفه، سعی دارند کشور را به دست‌کشیدن از اهرم‌های اقتدار ملی ترغیب کنند.

این جریان‌ها در حالی توصیه به توقف میدان و عقب‌نشینی در شریان‌های حیاتی نظیر «تنگه هرمز» می‌کنند که طرف آمریکایی، دقیقاً در اوج ناکامی‌های میدانی و زیر فشار افکار عمومی و بحران‌های ساختاری، به دنبال فرصتی برای تنفس، تجدید قوا و خروج از بن‌بست راهبردی خویش است.

کدوی پوک واشنگتن!

برخلاف تصویرسازی‌های هالیوودی از توان ارتش آمریکا، واقعیت‌های میدان نبرد و آمارهای محرمانه افشاشده در رسانه‌های غربی، سیمای کاخ سفیدی را ترسیم می‌کنند که به طرز خطرناکی تهی از سامانه و مهمات کلیدی شده است.

گزارش تحلیلی روزنامه وال‌استریت ژورنال بر پایه داده‌های مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی از حقیقت تلخی برای پنتاگون پرده برمی‌دارد. پس از ماه‌ها نبرد درگیری با ایران، ذخایر مهمات دقیق و موشک‌های تهاجمی و پدافندی آمریکا به شدت آسیب دیده است. بر اساس این تحلیل:

نزدیک به ۳۰ درصد از ذخایر موشک‌های کروز تاماهاوک مصرف شده است؛ نزدیک به نیمی از ذخایر موشک‌های سامانه پاتریوت و تاد شلیک شده‌اند؛ بخش قابل توجهی از موشک‌های هواپایه و بردبلند JASSM از زرادخانه‌ها خارج گردیده‌اند.

کارشناسان دفاعی اذعان دارند که حتی با حداکثر توان تولیدی، بازسازی این حجم از ذخایر بین ۳ تا ۶ سال زمان می‌برد. مؤسسه «دفاع از دموکراسی‌ها» نیز افشا کرده که ارتش آمریکا تنها در ماه‌های نخست نبرد بیش از ۱۰۰۰ فروند موشک تاماهاوک شلیک کرده، در حالی که خرید پنتاگون در کل سال مالی ۲۰۲۵ تنها ۳۸ فروند بوده است! این ناترازی فاحش نشان می‌دهد آمریکا توان پایداری در یک جنگ فرسایشی با شدت بالا را ندارد و ترس پنتاگون از مواجهه همزمان با سایر سناریوها (نظیر شرق آسیا و چین)، آن‌ها را به سمت توقف اضطراری نبرد سوق داده است.

آتش در خانه ترامپ و سقوط محبوبیت جنگ

در بعد داخلی، ترامپ قمارباز با یکی از عمیق‌ترین بحران‌های مشروعیت سیاسی در طول دوران ریاست‌جمهوری خود روبه‌رو است. شکاف میان ادعاهای کاخ سفید و واقعیت‌های میدانِ جنگ، افکار عمومی آمریکا را کاملاً علیه عملکرد واشنگتن برانگیخته است.

بر اساس نظرسنجی مشترک مؤسسه رویترز و ایپسوس، ۶۹ درصد از مردم آمریکا (شامل ۴۰ درصد از هواداران حزب جمهوری‌خواه) معتقدند که دونالد ترامپ نتوانسته اهداف دخالت نظامی کشورشان در ایران را به روشنی و با منطقی قانع‌کننده تبیین کند. متناقض‌گویی‌های متعدد ترامپ درباره اهداف جنگ، مردم آمریکا را به این باور رسانده که کشورشان وارد باتلاقی بی‌انتها شده است.

علاوه بر این، میزان حمایت عمومی از این قشون‌کشی از زمان آغاز عملیات نظامی همواره زیر ۴۰ درصد باقی مانده است. مقایسه این میزان افتضاح‌آمیز با محبوبیت ۷۰ درصدی حمله به عراق یا محبوبیت ۹۰ درصدی جنگ افغانستان در ماه‌های نخست، نشان‌دهنده سقوط آزاد پایگاه اجتماعی ترامپ در خانه است. «تیک‌تاک ساعت سیاسی» برای ترامپ به صدا درآمده و او می‌داند که تداوم این وضعیت، ضربه‌ای کشنده به انتخابات و آینده سیاسی وی وارد خواهد کرد.

تنگه هرمز؛ سلاحی خطرناک‌تر از بمب اتم

در میان این معادله، اهرم بی‌بدیل ایران در جغرافیای راهبردی منطقه یعنی تنگه هرمز، معادلات را به سود جبهه مقاومت رقم زده است. نشریه بریتانیایی تلگراف در تحلیلی هشدارآمیز تأکید می‌کند که کنترل عملیاتی تنگه هرمز برای ایران به «سلاحی تهاجمی و بسیار مؤثرتر از سلاح هسته‌ای» تبدیل شده است.

از این گذرگاه آبی حیاتی، بیش از ۲۰ درصد نفت خام جهان عبور می‌کند. ایران با بهره‌گیری از توانمندی‌های نامتقارن، قایق‌های تندرو، مین‌ریزی هوشمند و موشک‌های ساحل به دریا، قادر است بدون نیاز به هیچ ابزار دیگری، شریان انرژی جهان را متوقف کرده و تورمی ویرانگر را به بازارهای مالی غربی تزریق کند.

نشریه آمریکایی آتلانتیک نیز با اشاره به بن‌بست راهبردی ترامپ اعتراف می‌کند که ادامه درگیری در تنگه هرمز، ذخایرِ اضطراری نفت غرب را نهایتاً ظرف چند هفته تخلیه خواهد کرد؛ وضعیتی که ترامپ خود نیز با نگرانی از آن به عنوان سایه «سقوط بازار اقتصادی مشابه سال ۱۹۲۹» یاد کرده است. تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی سالیان گذشته علیه ملت ایران، این منطق را در میان قاطبه مردم جا انداخته که اگر قرار است ایران از منافع تجاری و صادرات آزاد محروم باشد، کشورهای متجاوز نیز باید هزینه ناامنی و محاصره را لمس کنند.

طرح‌های زنجیره‌ای فریب

حال که آمریکا در میدان نظامی به نفس‌نفس افتاده و ذخایر استراتژیکش رو به اتمام است، خط مکر و حیله دیپلماتیک آغاز شده تا آنچه را در میدان جنگ به دست نیاورده‌اند، روی میز مذاکره گدایی کنند.

بر اساس گزارش رویترز به نقل از منابع منطقه‌ای، مسقط طرحی را برای ایجاد یک «سازوکار مشترک منطقه‌ای جهت مدیریت تنگه هرمز» روی میز گذاشته است که بر اساس الگوبرداری از «تنگه مالاکا»، تسلط حاکمیتی و یکجانبه ایران بر این آبراه را سلب کرده و مدیریت آن را به شورایی بین‌المللی با مشارکت سایر کشورها واگذار کند. باید با صراحت و شجاعت تأکید کردکه سازوکار عمانی، شمایلی آمریکایی دارد!

دولت عمان اگرچه در ظاهر نقش میانجی را بازی می‌کند، اما ارائه چنین طرح‌هایی مستقیماً در جهت خدشه‌دار کردن حاکمیت ملی ایران و خلع ید کشور از مهم‌ترین اهرم چانه‌زنی بین‌المللی است. تبدیل تسلط حاکمیتی ایران بر تنگه هرمز به یک اداره مشترک یا داوطلبانه، یعنی تقدیم رایگان کلیدی‌ترین اهرم اقتدار کشور به دشمنی که تا دیروز مناطق مختلف ایران را زیر آتش موشک قرار داده بود. این تفاهم‌نامه‌ها و طرح‌های پیشنهادی، در نطفه ابتر، بی‌خاصیت و خائنانه به منافع ملی هستند و تنها هدف آن‌ها ایجاد تنفس مصنوعی برای ارتش شکست‌خورده آمریکا است.

از طرفی، محاسبات آمریکا برای دور زدن اهرم هرمز نیز با هوشمندی جبهه مقاومت به بن‌بست کامل رسیده است. وقتی کشورهای حامی متجاوزان تلاش کردند نفت خود را از طریق خطوط لوله جایگزین منتقل کنند، انصارالله و نیروهای مسلح یمن موازنه قدرت جدیدی را خلق کردند.

گزارش روزنامه الاخبار نشان می‌دهد نیروهای مسلح یمن با حملات پهپادی دقیق، خط لوله راهبردی «شرق به غرب» عربستان (منتقل‌کننده روزانه ۷ میلیون بشکه نفت از خلیج‌فارس به بندر ینبع در البحر الاحمر) را هدف قرار دادند. این ضربه مهلک که یادآور عملیات سال ۲۰۱۹ آرامکو است، نشان داد که هیچ شریان جایگزینی برای صادرات نفت در منطقه در امان نیست. انصارالله با متوقف کردن عبور نفتکش‌های متجاوز از باب‌المندب و فلج کردنِ ۵۰ درصدی بندر ینبع، صراحتاً ثابت کرد که امنیت انرژی یک مقوله تجزیه‌ناپذیر است؛ یا همه از آن بهره‌مند می‌شوند یا هیچ‌کس!

«نقطه سر خط» ممنوع!

بازگشت به میز دیپلماسی در شرایطی که دشمن در موضع ضعف، فرسایش نظامی و بحران داخلی قرار دارد، باز کردن «راه نفس دشمن از نفس افتاده» است. مذاکره درباره تنگه هرمز یا پذیرش سازوکارهای مبهم منطقه‌ای، دقیقاً همان «نقطه سر خطی» است که واشنگتن برای بازسازی زرادخانه‌های تهی‌شده‌اش به آن نیاز دارد. اگر تجربه تفاهم‌نامه‌های عقیم گذشته یک درس به ما داده باشد، آن درس این است که دشمن تنها زبان قدرت را می‌فهمد. نباید اجازه داد سانتیمانتالیسم سیاسی و ساده‌لوحی برخی جریانات داخلی، اهرم‌های حیاتی و استراتژیک کشور را که با خون امام شهیدان و اقتدار نیروهای مسلح به دست آمده، در مسلخ مذاکرات بی‌حاصل قربانی کند. تنگه هرمز، خط قرمز حاکمیت ملی ایران است و این اهرم اقتدار تا کوتاه‌آمدن کامل متجاوزان و رفع کامل مضایق اقتصادی علیه ملت ایران، نباید از دست برود.

گفت و شنود

میخوام ببرمت دَدَر!

گفت: روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی با اشاره به مرگ «لیندسی گراهام»، سناتور جنایتکار و به‌شدت ضد ایران، نوشته است؛ ترامپ از مرگ گراهام که از دوستان خیلی نزدیکش بود، دچار افسردگی و ترس شدید شده است!

گفتم: ترامپ نباید خیلی غصه بخورد و نگران باشد چون به‌زودی در طبقه هفتم جهنم به لیندسی جانش! ملحق خواهد شد!

گفت: واشنگتن‌پست نوشته است، لیندسی گراهام ۱۰ سال از ترامپ کوچک‌تر بود و ترامپ خودش را دلداری می‌دهد و در حالی که از چند بیماری رنج می‌برد می‌گوید اگرچه از گراهام سن بیشتری دارم، ولی کاملا سالم و سرحال هستم!

گفتم: یارو در بستر افتاده بود که متوجه شد ملک‌الموت برای قبض روحش وارد شده است. شیشه شیر کودکی که کنارش خوابیده بود را به دهان گرفت و به ملک‌الموت گفت؛ من هنوز بچه‌ام! جناب ملک‌الموت گفت؛ باشه! شیرتو بخور! میخوام ببرمت دَدَر!

شریعتمداری:

مخالفت با خونخواهی موافقت با جنایات دشمن است

مدیر مسئول کیهان تأکید کرد: خونخواهی در حقیقت پیشگیری از ترورها و جنایات دشمن است. اگر کسی قرار باشد به خونخواهی کم‌توجهی کند، معنی دیگرش این است که به دشمنان اجازه بدهیم که بیایند هر کاری دلشان خواست انجام بدهند و هر کسی را که خواستند، شهید کنند.

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول کیهان در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه خیلی از دوقطبی‌ها تقلبی است، گفت: وحدت یک ضرورت هست که بارها از سوی حضرت امام(ره)، رهبر شهید و رهبر انقلاب اسلامی بر آن تأکید شده است اما برای اینکه وحدت خوب تعریف بشود نیاز به محور دارد، یعنی روی چه محوری قرار است که وحدت صورت بپذیرد.

وی افزود: خب طبیعی است که محور اصلی وحدت خود رهبری است، یعنی دیدگاه‌ها و نظرات رهبری بایستی محور وحدت باشد. برای این کار باید نظرات و دیدگاه‌های رهبری را شناخت. خوشبختانه رهبر معظم انقلاب طی این چند بیانیه‌ای که دادند در حقیقت محورها را مشخص کردند. نیازی هم به مسائل محرمانه و سری نیست زیرا آنجا که می‌رسد، هر کسی یک تعریف و تبیین برای خودش دارد.

مدیر مسئول کیهان در ادامه خاطرنشان کرد: محورهایی که بسیار مشخص هست اینهاست؛ به عنوان نمونه رهبر معظم انقلاب تاکید دارند که تنگه هرمز باید بسته بماند. دوم اینکه، آمریکا بایستی خسارت بدهد. سوم اینکه، آمریکا بایستی از منطقه اخراج بشود. چهارم، وحدت ساحات است. پنجم اینکه، مسائل هسته‌ای ما بخشی از مذاکرات نباید باشد و ششم که روی آن خیلی تاکید هم شده، انتقام و خونخواهی حضرت آقا است. خونخواهی امر شخصی هم نیست که بعضی‌ها مطرح می‌کنند.

وحدت‌شکنان به خوبی قابل شناسایی هستند

شریعتمداری تصریح کرد: خونخواهی در حقیقت پیشگیری از ترورها و جنایات دشمن است. اگر کسی قرار باشد به خونخواهی کم توجهی کند، معنی دیگرش این است که به دشمنان اجازه بدهیم که بیایند هر کاری دلشان خواست انجام بدهند و هر کسی را که خواستند، شهید کنند. اگر محور وحدت اینها باشد که می‌تواند و باید باشد، طبیعی است که دیگر مشکلی نخواهد داشت و کسانی هم که احیانا این وحدت را می‌شکنند و یا با آن زاویه پیدا می‌کنند، به خوبی قابل شناسایی هستند.

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

خطوط تولید صنعت دفاعی فعال‌تر از گذشته هستند

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: کسانی که گمان می‌کردند با هدف قرار دادن مراکز راهبردی دفاعی، صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران از حرکت بازخواهد ایستاد، امروز با واقعیتی کاملاً متفاوت روبه‌رو هستند؛ خطوط تولید فعال‌تر از گذشته، فناوری‌ها پیشرفته‌تر و اراده متخصصان و دانشمندان ایرانی برای ساخت آینده دفاعی کشور، مستحکم‌تر شده است.

سردار سرتیپ پاسدار سید مجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بازدید از سازمان صنایع هوائی وزارت دفاع، ضمن بررسی آخرین دستاوردها، پروژه‌های راهبردی و ظرفیت‌های فناورانه این مجموعه، بر نقش صنایع هوائی در آینده قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با بیان اینکه مهم‌ترین سرمایه صنعت دفاعی، توان دانشمندان، متخصصان و مدیران ایرانی است، گفت: تجربه جنگ اخیر ثابت کرد توان بازتولید، بازسازی و ارتقای ظرفیت‌های دفاعی کشور، بیش از آنکه وابسته به تجهیزات باشد، متکی بر سرمایه انسانی، مدیریت جهادی و دانش بومی است؛ سرمایه‌ای که هیچ دشمنی قادر به نابودی آن نیست.

توسعه توان دفاع هواپایه و دفاع دریاپایه جزو اولویت‌های راهبردی وزارت دفاع

سردار ابن‌الرضا با تأکید بر ضرورت مسئله‌محور شدن چرخه نوآوری دفاعی، تصریح کرد: صنایع دفاعی باید بیش از هر زمان دیگری بر نیازهای واقعی نیروهای مسلح متمرکز باشند؛ هر مسئله‌ای که در میدان نبرد شناسایی می‌شود، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به یک راهکار فناورانه، محصول عملیاتی و قابلیت دفاعی تبدیل شود.

وی، توسعه توان دفاع هواپایه و دفاع دریاپایه را از اولویت‌های راهبردی وزارت دفاع برشمرد و افزود: صحنه نبرد امروز، صحنه فناوری‌های منفک و مستقل نیست؛ فناوری‌ها در همه حوزه‌های هوایی، دریایی، زمینی، فضائی و جنگ الکترونیک، مکمل یکدیگرند.

رویکرد آمریکا در حوزه پهپادی متأثر از تجربه‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اشاره به تحولات جهانی در حوزه فناوری‌های هوائی و سامانه‌های بدون سرنشین، گفت: بررسی راهبردهای آمریکا در حوزه پهپادها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از رویکردهای امروز آنان، متأثر از تجربه‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است؛ از این رو، وظیفه ما تنها حرکت در مرز فناوری نیست، بلکه باید فراتر از لبه فناوری بجنگیم و همواره یک گام جلوتر از دشمن حرکت کنیم.

وی با تأکید بر ضرورت جذب و به‌کارگیری نخبگان، خاطرنشان کرد: آینده صنعت دفاعی ایران با اتکا به دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و جوانان نخبه کشور رقم خواهد خورد و این ظرفیت عظیم باید بیش از گذشته در خدمت اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

به گزارش فارس، سردار ابن‌الرضا با اشاره به جنگ شناختی دشمن علیه صنعت دفاعی کشور، تأکید کرد: کسانی که گمان می‌کردند با هدف قرار دادن مراکز راهبردی دفاعی، صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران از حرکت بازخواهد ایستاد، امروز با واقعیتی کاملاً متفاوت روبه‌رو هستند؛ خطوط تولید فعال‌تر از گذشته، فناوری‌ها پیشرفته‌تر و اراده متخصصان و دانشمندان ایرانی برای ساخت آینده دفاعی کشور، مستحکم‌تر شده است.

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح گفت: صنعت دفاعی باید به‌گونه‌ای حرکت کند که با هر نوآوری، جغرافیای عملیات نیروهای مسلح را توسعه داده، آن را پویاتر، چندبعدی‌تر و ترکیبی‌تر سازد و گزینه‌های عملیاتی متنوع‌تری را در اختیار فرماندهان قرار دهد تا ابتکار عمل همواره در دست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باشد.

وی با تأکید بر ضرورت پیشتازی فناورانه در صنعت دفاعی کشور، بیان داشت: باید همواره یک گام جلوتر از دشمن حرکت کنیم و با تکیه بر نوآوری، دانش بومی و مدیریت خطرپذیر، فناوری‌های آینده را پیش از رقبا در اختیار نیروهای مسلح قرار دهیم.

خبر ویژه

وسط معرکه جنگ جای پالس ضعف و حاشیه‌سازی نیست

دادن «پالس ضعف» به دشمن در شرایط حساس کنونی خطایی راهبردی است؛ با این حال، سخنان اخیر سخنگوی دولت نشان داد انگار اولویت با خط و نشان کشیدن و حاشیه‌سازی است.

در شرایطی که رفع مشکلات معیشتی در صدر مطالبات مردم است و قصور و تقصیر در رفع این مشکل، می‌تواند در دشمنان ایران طمع ایجاد کند، انتظار از دولت، تمرکز بر کار شبانه‌روزی، تدبیر و نظارت کارآمد بر بازار و قیمت‌هاست؛ چرا که سر گردنه جای کشتی گرفتن نیست و دادن هرگونه پالس ضعف، دشمن را درنده‌تر می‌کند. اما نشست خبری اخیر فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، نشان داد حاشیه‌سازی و خطونشان کشیدن، اولویتی بالاتر از ارائه برنامه‌های عملیاتی دارد!

مهاجرانی در این نشست با ردیف کردن مشکلات موجود گفت: «تحریم‌ها کشور را به سمت مسیرهای غیرشفاف سوق داد» و «۲۳۰ میلیون متر مکعب از ظرفیت تولید گاز از دست رفت». وی با بیان اینکه «اصلاحات حوزه بنزین نیازمند گفت‌وگوی شفاف با مردم است» افزود: «اقتصاد کشور نیازمند اصلاحات است.» اما درست در جایی که انتظار می‌رفت خط‌مشی شفاف دولت برای مهار گرانی و ساماندهی اقتصاد بیان شود، وی به صداوسیما تاخت و در پاسخ به سؤالی، درخصوص اقدام صداوسیما در سانسور سخنان رئیس‌جمهور واکنش نشان داد و گفت: «صداوسیما، رسانه جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین انتظار عمومی آن است که این رسانه به جمهوریت احترام بگذارد و در عین حال به اخلاق و منش اسلامی پایبند باشد و در مسیر منافع و مصالح کشور عمل کند.»

این فضاسازی‌ها در حالی رخ می‌دهد که حفظ وحدت و انسجام ملی - به‌ویژه در این روزهای حساس- اصلی‌ترین دشواری دشمن در مقابله با ایران اسلامی است و حراست از این همدلی، ضربه‌ای هولناک به دشمن محسوب می‌شود.

سخنگوی دولت در بخش دیگری از گزارش خود با تشریح خسارات ابراز داشت: «بر اثر حملات دشمن لنج‌های صیادی که تنها منبع درآمد و شغل مردم منطقه بودند، به شدت آسیب دیده است، از سوی دیگر کسب‌وکارهای گردشگری نیز با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. همچنین، تأسیسات غیرنظامی نظیر مرکز هواشناسی بوشهر تقریباً از بین رفته و فرودگاه بوشهر نیز غیرقابل استفاده شده است.»

وی درباره آسیب‌های عمرانی تصریح کرد: «براساس آمار رسمی اعلام شده از سوی وزارت راه و شهرسازی، ۱۲ دهنه پل و ۲ دهنه تونل مورد آسیب قرار گرفته‌اند» و به «آسیب‌های وارده شده به انشعاب راه‌آهن بندرعباس، تخریب ۲ دستگاه کل در جنوب، آسیب به ۲ دستگاه پل در شمال شرق کشور، و همچنین آسیب به فرودگاه‌های ایرانشهر، سمنان و بندرعباس» اشاره نمود.

مهاجرانی درباره تصمیمات فضای مجازی نیز یادآور شد: «بر اساس مصوبه دولت، هرگونه محدودسازی یا تعلیق فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای اینترنتی، پس از بررسی در ستاد راهبری فضای مجازی به ریاست آقای دکتر عارف، باید به تأیید رئیس‌جمهور برسد».

به نظر می‌رسد مسئولان دولتی به‌جای پرداختن به حواشی، باید این واقعیت را مدنظر قرار دهند که حفظ شیرازه اتحاد و سد کردن راه بهانه‌جویی دشمن، تنها با مدیریت میدان و امیدآفرینی محقق می‌شود، نه با بیانیه‌خوانی‌های دشمن شادکن.

دستپاچگی و هذیان‌گویی عنصر موساد برای بازگشایی باب‌المندب

یاوه‌گویی‌ها و سوزش شدید عناصر سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی از محاصره دریایی در تنگه باب‌المندب، پرده از عمق درماندگی و عصبانیت تل‌آویو در برابر ضربات مهلک مجاهدان یمنی برداشت.

اعترافات و سوزش‌های اخیر منشه امیر، جاسوس شناخته‌شده سرویس اطلاعاتی موساد، بار دیگر ابعاد تازه‌ای از کابوس حاکم بر تل‌آویو را آشکار ساخت. این عنصر صهیونیست در موضع‌گیری عجیبی که بیشتر به التماس و زاری شباهت دارد، با تحقیر یمنی‌ها اعتراف کرد: «حوثی‌های یمن همیشه مستضعف بودند، عقب مانده بودند، با دمپایی راه می‌رفتند؛ جمهوری اسلامی آنها را بسیج کرد و باب المندب را در اختیار گرفتند، این شیوه بسیار ناجوانمردانه‌ای است!»

وی در ادامه درماندگی خود، دست به دامن قدرت‌های غربی و شرقی شد و ف